

# رشد سرطانی انتگریم اسلامی

www.iran-archive.com

پاریس ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۱ - ۶، ۲۴، ۱۳۸۰

از انتشارات سهند

## رشد سرطانی انتگریم اسلامی

صبح ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مراکز دفاعی و امنیتی اتازونی همچون گذشته متوجه دور دستها بودند تروریست های انتحاری در فاصله ۱۸ دقیقه دو هواپیمای بزرگ رابا گروگان ها به دو آسمانخراش بزرگ نیویورک کوبیدند هواپیمای سوم یکساعت بعد مهم ترین مرکز نظامی و دفاعی جهان یعنی پنتاگون را هدف قرار داد . هواپیمای چهارم به سبب مقاومت سرنشینان و زدو خورد و هرج و مرج، راه گم کرد و در جنگلی نه چندان دور از هم پاشید، بدین ترتیب برای اولین بار و بدون مقابله مستقیم اتازونی مورد حمله مستقیم در خاک خود قرار گرفت و مراکز بسیار مهمی که صرفاً جنبه سمبولیک هم نداشتند، درهم کوبیده شدند، کاری که در گذشته ماشین نظامی عظیم آلمان نازی و قدرت بی حساب شوروی از آن عاجز بودند.

نظرها خیلی زود متوجه مراکز مهم تروریسم فعلی جهان یعنی خاور میانه شد پیشرفته ترین مرکز تمدن و تکنولوژی از سوی عقب مانده ترین گروه های انتگریستی ضربه خورد. میدانیم که دادوستد قاچاق مواد منفجره و مخربی نظیر پلوتونیوم و یا فرآورده های شیمیائی، و باکتریولوژیک و بیولوژیک و امثال اینها چند سالی است که در اروپا و امریکا هم مشاهده شده است. خوشبختانه مراکز انتگریستی و عوامل آنها که با احتمال زیاد از این مواد در اختیار دارند آنها را بکار نگرفتند و یا بفکرشان نرسید اگر چنین می شد به زحمت قابل تصور بود که دنیا بچه روزی می افتاد. آنها شاید با هواپیما می توانستند خود را به نیروگاههای اتمی، انبارهای بزرگ بنزین و نظایر آن و

دیگر مناطق حساس بکوبند.

بهر حال گذشته از اثبات ضربه پذیری اتا زونی در عمل روشن شده کشورهای پیشرفته تا بحال از اهمیت روزافزون توسعه انتگریم اسلامی و تبدیل گروه های کوچک به جمعیت ها و نیروهای عظیم و حکومت هایشان غافل بوده اند. در ابتدا نفرت بی حد از کمونیسیم همه دنیا ی غرب را بخود مشغول کرد و شاید نخستین غفلت و اشتباه بزرگ آنان موافقت و مشارکت در جهان گرفتن و راه اندازی حکومت انتگریستی در ایران بود. که فعالیت های محدود و قابل کنترل تروریستی در لبنان و فلسطین را به یکباره مبدل به شکل گیری یک قدرت مهم مالی و نظامی و براندازی و توطئه کرد که شعار عمده و روزانه حزب الله نوع ایرانی «مرک بر امریکا» بوده و نظر قطعی خمینی که میگفت: «امریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.»

انتگریسم پس از پیروزی و استیلا بر ایران آشکارا هدف های خود را اعلان کرد. در مقدمه قانون اساسی آنها چنین می خوانیم: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می کند بویژه گسترش روابط بین المللی، با دیگر جنبش های اسلامی می گوشت تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند.» و یا «در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور، توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد. بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب، در انطباق با هدف فوق شکل داده می شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه رسالت مکتبی، یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت

---

قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود.»

براه افتادن حکومت اسلامی در کشور ما برای همهٔ تشنگان قدرت و ثروت در این مناطق برانگیزاننده بود، چنانکه ظرف چند سال هزاران هزار مسلمان متعصب و همه چیز خواه و حکومت طلب از هر سو سر بر آوردند. از سال ۱۹۷۹ تا کنون افغانستان بدین روز افتاده، پاکستان صاحب بنسب اتسی شده و هر لحظه می تواند بطور کلی در این ورطه غرق شود، صدام حسین که حرکات نامعقولش براحدی پوشیده نیست اکنون دعوی مسلمانی دارد. در سایر کشورهای حوزهٔ اسلام دارو دسته های آدمکش عرصه را بر همگان تنگ کرده و به کمتر از حکومت کردن قانع نیستند. آثار این نابسامانی حتی در شهرهای اروپا و امریکا بصورت گسترش اقدامات نمایشی و عملی انتگریست ها و ایجاد ناامنی بچشم می خورد.

حکومت ها و گروه های انتگریست که به سرکوب و ترور و کشتار مشغولند، بسیاری از مخالفان خو را به فجیع ترین شکل در داخل و خارج کشورهایشان نابود کرده اند، پروندهٔ بستهٔ این جنایات خاک می خورد و هشدار همچنان ناشنیده مانده است. واقعیت وجود و رشد انتگریسم به هر کیفیت آثار خود را در همه جا حتی در اروپا و اخیراً در اتازونی نشان داده است، آیا می توان همچنان با سهل انگاری توقع خردمندی از انتگریست ها داشت و با تدابیر نامعقولی نظیر «دیالوگ انتقادی» و جستجوی میانه روان دلخوش کرد؟ آیا میتوان روابط با این مراکز را همچنان حفظ و تقویت کرد و چشم بروی مخالفت وسیع آزادیخواهان بست؟ آیا حرکت های مخرب انتگریستی در جایی متوقف خواهد شد که جبران پذیر باشد؟ پاسخ نمی تواند مثبت باشد.

---

مقابله واقعی با این فاجعه چه کیفیت و کمیتی خواهد داشت؟ آیا بایر داختن به عوارض و معلول ها علت ها و عوامل و مراکز اصلی هم آسیب خواهند دید؟ اطلاعات مفید و اقدامات همه جانبه می تواند خطر ظاهر بینی و مقابله کور و بی نتیجه را به حداقل برساند، روشن است که حرکات نمایشی و شاخ و شانه کشیدن ها وضع را وخیم تر خواهد ساخت، برای بی اثر کردن عملیات انتگریتست ها هدف های اساسی را باید در همه خاورمیانه و شرق و غرب آن و در میان همه قدرت های نظامی و اتمی و نفتی منطقه جستجو کرد و خصوصاً حکومت های انتگریتستی و نیمه انتگریتستی را مقدم قرارداد، انتگریتسم بین المللی در شکل فعلی با حکومتها و نیمه حکومتها و گروه هایش در درجه اول از پتر و دلار و اسلحه و از تردید و سهل انگاری و وقت کشی در جهان آزاده بهره می برد، اگر اقدامات همه جانبه و فوری نباشد، وضع روشنی برای حال و آینده مردم و کشورهای منطقه و حتی کشورهای دیگر جهان از جمله اروپا و امریکا پیش بینی نمی شود. انتگریتسم اسلامی غده سرطانی است اگر بطور کامل و بموقع از بین نرود، کشنده است.

